



اثر تازه آیت‌ا... مصباح‌زیدی

کتاب «در کوچ‌های آفتاب» گلچینی از مباحث اخلاقی و عرفانی آیت‌ا... مصباح‌منتشر شد. این کتاب در ۲۰۸ صفحه و به قیمت ۵۸۰۰ تومان روانه بازار نشر شده است. «عرفان نظری و عملی»، «معنای عارف»، «رابطه بین عرفان، فلسفه و عقل، راه‌های نیل به مقامات عرفانی»، «مکاشفه و حقیقت آن» از جمله مباحث این کتاب است.



پیش‌نشست همایش ملی تصوف

نخستین پیش‌نشست همایش ملی «تصوف، شاخصه‌ها و نقدها» برگزار می‌شود. این نشست با سخنرانی حجت‌الاسلام سبحانی، حجت‌الاسلام خسروپناه و دکتر یحیی نیری از ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت در سالن همایش پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برگزار می‌شود و شرکت در آن برای تمامی دانش‌پژوهان، دانشجویان و طلاب آزاد است.



خرد خفته منتشر شد

«خرد خفته» فلسفه و حکمت سیاسی اسلامی و گذار به سیاست عملی» به قلم علی‌اکبر علیخانی منتشر شد. نویسنده این کتاب می‌کوشد نشان دهد به چه طریق می‌توان از فلسفه و حکمت سیاسی اسلامی و مباحث نظری در جهت بهبود وضعیت سیاسی امروز بهره برد. خرد خفته با ۳۷۰ صفحه و به قیمت ۱۷ هزار تومان توسط انتشارات دانشگاه تهران روانه بازار نشر شده است.



سیزدهمین نشست «اقتصادنا»

سیزدهمین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی «اقتصادنا» با موضوع «شناخت خلق پول بانکی با رویکرد تراژیک‌های» پنجشنبه بیستم اردیبهشت از ساعت ۹:۳۰ در مدرسه علمیه سلیمانیه برگزار می‌شود. در این نشست سیدمهدی حسینی دولت‌آبادی، کارشناس ارشد دفتر مدل‌سازی اقتصاد ایران در دانشگاه امام صادق(ع) به تشریح ماهیت خلق پول بانکی خواهد پرداخت.



حجت‌الاسلام فراهی در درس خارج فقه رهبر انقلاب از کم‌توجهی به درس تفسیر قرآن گفت

رهبر انقلاب: بی‌توجهی به درس تفسیر قرآن یک درد قدیمی است



چندی پیش حجت‌الاسلام والمسلمین فراهی در رهبر انقلاب اسلامی درخواست می‌کند که در یکی از جلسات درس خارج فقه ایشان حضور یابد تا درباره ضرورت توجه به تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه و مهجوریت قرآن در جامعه و کشورمان برای طلاب حاضر در درس معظّم له سخنرانی کند. این پیشنهاد مورد استقبال رهبر انقلاب قرار می‌گیرد و موجب می‌شود حجت‌الاسلام فراهی در ابتدای جلسه درس خارج فقه حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در روز سه‌شنبه ۱۳۹۷/۱/۲۸ به سخنرانی بپردازد. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR در آستانه ورود به ماه مبارک رمضان - ماه بهار قرآن- گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب در ابتدای این جلسه و همچنین سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین فراهی را منتشر می‌کند.

بیانات رهبر انقلاب پس از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین فراهی به این شرح است:
بسم‌... الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلاة والسلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرین سیما بقیة الله فی الارضین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین
بیانات جناب آقای فراهی کلاماً متین و بجا و پر مغز و برای همه ما لازم بود. آنچه ایشان در اهمیت درس قرآن و تدبیر در قرآن بیان کردند، جزء حرف‌های لازم و ضروری امروز جامعه ما است. این البته یک درد قدیمی است؛ زمان طلبگی ماها -سال‌ها پیش- همین را کم‌وبیش انسان احساس می‌کرد؛ البته آن وقت یک آدم باهمتی مثل آقای فراهی نداشتیم... خوب، بحدما... امروز تا حدودی درس‌های قرآن وجود دارد؛ ایشان هم انصافاً با جدیت دنبال این قضیه هستند؛ مثل مساله نماز یا مثل مساله زکات که ایشان دنبال کردند و موفق شدند؛ ان شاء... در قضیه تفسیر قرآن هم با تلاشی که ایشان دارند، با جدوجهدی که دارند، با ابتکاری که در ایشان هست و با موهبت‌هایی که خدای متعال به آقای فراهی داده - که بعضی از اینها جزء مواهب خاص است- موفق باشند. امروز استفاده کردیم و خیلی ممنونیم؛ دوستان تلاش کنید که روی این مساله فکر کنید و ان شاء... تصمیم بگیرید و عمل بکنید.

در ادامه خلاصه‌ای از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین فراهی در ابتدای این جلسه خواهد آمد:
بسم‌... الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین بعدد ما احاط به علمه، اللهم صل علی محمد و آل محمد، الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التوقی.
عید بود، زیارت آقا فقیه، گفت‌گوهایی شد و از ایشان تقاضا کردم که این عریض‌بنده اگر خوب بود، برای شما (طلاب) هم گفته بشود.
برای عید نوروز، همه مملکت تقریباً بسیج می‌شوند؛ از

مرغ و گوشت و پرتقال و سیب و راهداری و اورژانس و هلال احمر و... همه بسیج می‌شوند که عید می‌آید، یکی دو ماهه مشغولند. ماه رمضان می‌آید؛ «قد اقبل الیکم شهرالله». ما برای قرآن چقدر آمادگی داریم؟ جایگاه قرآن در جامعه ما چیست؟ این قرآنی که خودش دو مرتبه فرموده «خذ الكتاب بقوة»؛ جدی بگیریم قرآن را. هویت ما به قرآن است. چون در قرآن چهار تا توبیخ است: کمثل الحمار، کمثل الکلب، کالجاره، کالانعام؛ اما یک توبیخ در قرآن است که خیلی داغ است؛ می‌گوید پوک! به کسانی که کتاب آسمانی را اقامه نکنند، لقب «پوک» داده خدا؛ یا اهل کتاب لستم علی شیء حتی تقیموا. کلمه اقامه راجع به چهار چیز در قرآن آمده: اقیموا الدین، اقیموا الصلاة، اقیموا الوزن، ولو انهم اقاموا التوراة؛ زندگی مادی مان هم بند به همین قرآن است. (می‌فرماید) ولو انهم اقاموا التوراة، اگر اینها تورات را اقامه کنند، لا کلو؛ خوب، اگر اقامه قرآن شد، لا کلو؛ لا کلو؛ لا کلو؛ یعنی مادیات مان هم بند به همین است. چون قرآن ذکر است، نحن نزلنا الذکر، ومن اعرض عن ذکری فإن له معیشتة ضنکاً.
یک سری گیر و گورها هم شاید به خاطر این باشد که قرآن

سوار می‌شود. خیلی خوب، دوازده میلیون بچه مدرسه‌ای داریم؛ چند سال پیش آقای بوشهری می‌گفت که ما بیست هزار طلبه کت شلوار داریم که این دیپلمش را گرفته، لمعاش هم تمام شده اما معمم نیست - در سیاسی عقیدتی نیست، امام جمعه، قاضی، اهل منبر، در نهاد رهبری در دانشگاه نیست- روحانی نیست ولی خوب، لمعاش را خوانده، دیپلم هم دارد؛ این با پسرعمه‌ها و پسرخاله‌هایش می‌تواند جلسه‌های محلی درست کند تا «اندر عشیرتک الاقریبین» راه بیفتد. هر هجده ساله‌ای می‌تواند ده، پانزده تا ده، سیزده ساله را دعوت کند. این آموزش روحانی قرآن یک مهارت است، هشت ساعت می‌شود آموزش بدهید، هشت ساعت بیشتر کار ندارد. شما اقوال را مطالعه کن، اما روی منبر نباید اینها را بگویند، در منبر یک تفسیر روان بگویند، دو سه برابر ترجمه و روحانی قرآن مهم است. ماه رمضان جلوما است، عظمت رمضان به روزه نیست فقط، عظمت رمضان به قرآن است؛ نمی‌گوید «الذی کتب علیکم الصیام»، می‌گوید: شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن.

در این مساله محوریت قرآن، باید یک نهضت تفسیری بشود. تجویدها افتاده، حفظ قرآن راه افتاده، الحمد لله.



پدیدارشناختی ابعاد مختلف سینما و فعالیت‌های سینمایی بوده است. یکی از مهم‌ترین فیلسوفان نقش آفرین در این جنبش، موریس مرلوپونتی، پدیدارشناس برجسته فرانسوی است که بی‌شک بسیاری از پدیدارشناسان سینما مدیون دیدگاه‌های او هستند. رومن اینگاردن و مایکل دوفرن از مشهورترین آنها هستند. به مرور از دهه ۶۰ پدیدارشناسی خود را در کنار سایر جریان‌های هنری غیرعلمی یافت و از سویی رونق خود را از دست داد و از سوی دیگر، امکان امتزاج با دیدگاه‌های نزدیک به خود را نیز پیدا کرد. در این شرایط است که می‌توان از حضور پدیدارشناسی در فلسفه‌ها و رهیافت‌های دیگر نیز سخن گفت. پدیدارشناسی در ادامه حیات خود در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ مرزهای اروپا را درزورید و با بسیاری از گرایش‌های فلسفه تحلیلی در

ادموند هوسرل

انگلس‌توان و آمریکای تفلیق شد. مشهورترین این دسته از فلاسفه فیلم شاید استنلی کاول و استفان میولیهال باشند. وجه مشترک بسیاری از این نظریه‌های تلفیقی توجه به تجربه مستقیم سینما، مستقل از نظام‌های مفهومی متافیزیکی یا علمی است. با این حال، همچنان پدیدارشناسی در نظریه‌پردازی سینمایی حاضر و زنده است و حتی به بررسی سایر رسانه‌های تصویری نیز بسط پیدا کرده است. در دهه ۹۰ با ظهور آلن کاره‌بیه و ویویان سوچاک، پدیدارشناسی سینما قدرت و غنای جدیدی را تجربه کرد. گرایش فکری این دونیز کامیاش در حیطه فکری هوسرل و مرلوپونتی قرار داشت. از آنجا که مرلوپونتی از هایدگر نیز متأثر است، سوچاک بی‌تأثیر از ادبیات هایدگر در توصیف سینما نیست. بازخوانی و تفاسیر مجدد از ادبیات پدیدارشناسان در فهم فلسفی از سینما به هیچ عنوان متوقف نشده است و بسیاری از محققان کامیاش در حال بسط پدیدارشناسی در فهم سینما هستند. چنان که مشاهده می‌شود اغلب پدیدارشناسان مشهور سینما با استفاده از آرای مرلوپونتی، هوسرل و افراد نزدیک به آنان، سینما را بررسی کرده‌اند. پدیدارشناسی زندآگاهانه و استفاده از آرای هایدگر، به‌تازگی امکانات تفکر پدیدارشناختی به‌ویژه در شاخه آلمانی با آن گره نخورده است. در فلسفه سینما وارد شده است. این دیدگاه‌ها نیز بیش از آنکه به پرسش از چیستی سینما بپردازند به بررسی ورود دیدگاه‌های فلسفی در سینما پرداخته‌اند.

گستره موضوعاتی که پدیدارشناسان سینما به آن پرداخته‌اند نیز بسیار وسیع است. کمتر موضوع مطرحی را در نظریه فیلم می‌توان یافت که پدیدارشناسان سینما درباره آن نظری نداده باشند. فقط نگاهی به کتاب آلن کاره‌بیه که به فارسی نیز ترجمه شده است، نشان می‌دهد پدیدارشناسی می‌تواند هم درباره موضوعات پرمنافقه سینمایی مانند جهان‌داستان و مولف و هم درباره سایر نظریه‌های مطرح در فیلم وارد شود و بحث کند. با این همه و به یک اعتبار می‌توان ادعا کرد پدیدارشناسی سینما هنوز در آغاز راه خود قرار دارد. انبوهی از موضوعات بحث‌انگیز سینمایی هست که امکانات تفکر پدیدارشناختی به‌ویژه در شاخه آلمانی با آن گره نخورده است. فی‌المثل نقد هایدگر بر ماجرای فرم و محتوا و بحث گادامر درباره بازی و اثر هنری، تنها دو نمونه از امکانات تفکر پدیدارشناسی هستند که می‌توانند در فهم سینما بسط داده شوند.

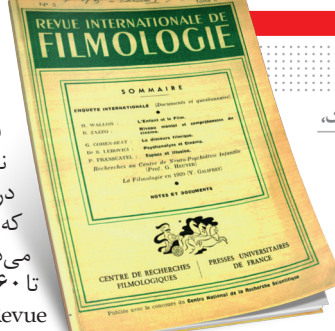
فلسفه و سینما

قلمروی پدیدارشناسی در سینما

پرنگی از آن در میان باشد. شاید علت اینکه نام چندان از پدیدارشناسی نبود این باشد که پدیدارشناسی ظهور اصلی و قوی خود را در فلسفه می‌بیند و در هنر نیز بیشترین بحث و گفت‌وگوها را درباره هنر بزرگ ایجاد کرده است که آن هم البته بیشتر نزد فیلسوفان محبوبیت دارد. پدیدارشناسی در این میان، به‌شکل کم‌برسود و اوپه‌دهی‌های غیرمستقیم به نویسنندگان اهل سینما و هنر به‌تدریج در فهم سینما به کار آمد. امر این شاید به این خاطر بود که بسط پدیدارشناسی از آلمان به فرانسه نیازمند زمان بود. تفاوت فضای فرهنگی و علمی این دو قطب مهم اروپا باعث نوعی تفاوت در کاربست پذیری فلسفه می‌شود. مدت‌ها طول کشید تا نشانه‌هایی از توجه پدیدارشناسان آلمانی به سینما هویدا شود، حال آنکه فضای فرهنگی فرانسه به صورت متلون از پدیدارشناسی در هنر بهره می‌برد.

پس از جهت تاریخی، هرچند خاستگاه پدیدارشناسی آلمان است، اما مهد پدیدارشناسی سینما فرانسه است. برگسون - هرچند نمی‌توان او را پدیدارشناس انگاشت- از نخستین فیلسوفان و شاید اولین فیلسوفی است که به سینما اشاره دارد. مرلوپونتی نیز خود به سینما اشاراتی دارد و پس از او نیز بسیاری از پدیدارشناسان برجسته سینما فرانسوی هستند و به عبارتی می‌توان گفت وابسته به پدیدارشناسی فرانسوی (مرلوپونتی، سارتر و...) هستند. امده ایفر شاگرد مرلوپونتی از نخستین پدیدارشناسان سینماست که تلاش کرد سینما را مستقل از علل علمی و روانی و ماورای تفکیک به فرم و محتوا بشناسد. چنان که خواهیم دید بازن، کاره‌بیه، دوفرن و... وابسته به همین گرایش هستند. بعدهادلوز، دیگر فیلسوف فرانسوی در پی برگسون اثر مهم خود را به نگارش در می‌آورد.

در تاریخچه مختصری که ویویان سوچاک، که خود از پدیدارشناسان فیلم است، به ما می‌دهد، درمی‌یابیم فرانسه طی سال‌های ۴۰ تا ۶۰ میلادی و حول نشریه Internationale de Filmologie، یکی از کانون‌های پدیدارشناختی ابعاد مختلف سینما و فعالیت‌های سینمایی بوده است



در تاریخچه مختصری که ویویان سوچاک، که خود از پدیدارشناسان فیلم است، به ما می‌دهد، درمی‌یابیم فرانسه طی سال‌های ۴۰ تا ۶۰ میلادی و حول نشریه Internationale de Filmologie، یکی از کانون‌های پدیدارشناختی ابعاد مختلف سینما و فعالیت‌های سینمایی بوده است



سید مهدی نافعی قره‌باغ پژوهشگر فلسفه

یکی از عرصه‌هایی که طی سالیان اخیر در مطالعات سینما خود را نشان می‌دهد، پدیدارشناسی فیلم است. به نظر می‌رسد که پدیدارشناسی به مانند نظریه‌های کلاسیک اولیه است که از دل خود سینما جوشیده و در دل منازعات اصحاب سینما و هنر پروریده باشد و نه آنکه در بین نظریه‌های پسا کلاسیک مانند نشانه‌شناسی و نورمالیسم است که از اقبال وسیع بین آکادمیسین‌ها و پژوهشگران برخوردار باشد. این امر باعث شده است پدیدارشناسی به‌عنوان یک رهیافت کاملاً مقبول و شماره یک در سینما محسوب نشود.

اما این حکم اولیه نیازمند چند ملاحظه است که اگر این ملاحظات جدی گرفته بشوند می‌تواند نشانگر آن باشد که پدیدارشناسی امکانات لازم را برای توضیح سینما در بالاترین سطوح دارا است.

نخست اینکه باید دانست ورود فلسفه برای فهم سینما، معمولاً از راه نظریه ادبی انجام شده است و نه مستقیم. در واقع خصلت صنعتی-تفریحی سینما به‌ویژه در بدو تأسیس، سبب شده است که فاصله‌ای بین سینما و تفکر ایجاد شود که این فاصله به مراتب بیشتر از فاصله متداول بین هنر مدرن و تفکر باشد. بنابراین است که نظریه‌های فلسفی هیچ‌گاه در آغاز حتی در فرمالیست‌ها و رئالیست‌ها به شکل مستقیم و صریح در سینما دیده‌نشند. این‌نشان نیز شاید بتوان در بین این جریان‌ها «اندکی» متفلسف خواند، اما

و نیز به هر حال بیشتر درگیر خود سینما و فیلم است تا یک نظریه انتزاعی بی‌نقص یا حتی فلسفی از سینما. اما پدیدارشناسی در سینما، از همان دوره نظریه‌های کلاسیک حضور داشت، بدون آنکه نام